

تصویری مطلوب به محیط بین‌المللی است.

۱۷) قدرت اول منطقه‌ای در عرصه‌های علمی، اقتصادی و فن‌آوری، شاخص سامان‌دهی ذهنی و رفتاری در سیاست خارجی: آنچه می‌توان از چشم‌انداز بیست ساله درک و فهم نمود، کانونی شدن عناصر اقتصادی، علمی و تکنولوژیکی در ترکیب عناصر قدرت مطلوب جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

جریان اصلی نظام بین‌الملل

در تحلیل نهایی و با توجه به الزامات فوق می‌توان گفت، سند چشم‌انداز، هم به گسترش فرآیند جهانی شدن و ناگزیر بودن از ورود به جریان اصلی نظام بین‌الملل، هم به عالم‌گیر شدن و مقبولیت جهانی توسعه و توسعه برون‌گرا و هم به حفظ اصول اسلامی و انقلابی طرح شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی توجه داشته است. محصول تحقق اهداف سند چشم‌انداز، ایجاد و تقویت بنیان نظام سیاسی در تعامل با نظام بین‌الملل، بر اساس سه اصل عزت، حکمت، مصلحت و با هدف کارآمدی بنیان‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و علمی نظام می‌باشد. ■

حوزه‌های فرهنگی - تمدنی هستند، بیش از کشورهای فاقد این حوزه‌ها، از امکان تعامل منطقه‌ای و تأثیرگذاری جهانی برخوردار می‌باشند و ایران مسلماً از چنین ظرفیتی برخوردار است.

۱۳) مشارکت در شکل‌دهی و جهت‌دهی فرآیندهای منطقه: یکی از متغیرهای اصلی در تعیین میزان تأثیرگذاری یک کشور در عرصه سیاست بین‌المللی، درجه مشارکت آن کشور در شکل‌دهی فرآیندهای منطقه‌ای و جهت‌دهی به آن فرآیندها است.

۱۴) کانونی کردن ایجاد مجموعه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در پیگیری و تعقیب اهداف ملی: در شرایط کنونی نظام بین‌الملل، پیگیری اهداف ملی باید به طریقی صورت گیرد که موجب نگرانی سایر بازیگران نشود و امکان جلب مشارکت آنان را در تأمین اهداف داشته باشد.

۱۵) ارایه تعریف جمعی از خود در محیط بین‌المللی: هر کشور، برای رسیدن به اهداف ملی خود، نیازمند همکاری و مشارکت جامعه بین‌المللی است.

۱۶) استفاده بهینه، بخردانه و کارآمد از ادبیات و زبان در سیاست بین‌الملل: بهره‌گیری از زبان و ادبیات مناسب در سیاست بین‌الملل، پیش شرط حیاتی در ارایه

چالش‌های اقتصادی روز کشور

جو حاکم بر بخش خصوصی



رکود تورمی، بیکاری، ناپایداری سیاست‌های کلان، سیاست‌های ناکارآمد پولی، واردات بی‌رویه و قوانین کار، تأمین اجتماعی، تعزیرات و مالیات، جو ناپایداری به وجود آورده و خوش‌بینی اصحاب بخش خصوصی را متاثر کرده است.

منتشره، میزان درآمد مربوط به نفت خام در سال ۸۶ مبلغ ۷۲ میلیارد دلار بوده است که این رقم نسبت به سال ۸۵، ۱۶ درصد رشد داشته است (این رقم در سال ۸۵ معادل ۶۲ میلیارد دلار بوده است). این جهش - در کنار سیاست‌های ناکارآمدی پولی که از علم و ابزار نوین محروم و عاجز است - خود یکی از عوامل مهم بالا رفتن نرخ تورم شده است.

برای رکود نیز عوامل بسیاری را می‌توان برشمرد که یکی از آنها، ورود کالاهای مشابه از دیگر کشورها به کشور ما و در نتیجه، عدم استقبال مردم از کالاهای داخلی است. یعنی، از آنجا که بهره‌وری تولید در کشور و عدم استفاده از تکنولوژی به نحوی است که تولید محصولات در کشور ما گران‌تر از دیگر کشورها صورت می‌گیرد، مردم به سوی کالاهای خارجی رو می‌آورند و در نتیجه، انبارهای این قبیل صنایع، انباشته از محصول می‌ماند، در حالی که بازاری برای فروش وجود ندارد. در چنین صورتی، بخش خصوصی که مواد اولیه را با پرداخت قیمت‌های گران‌تر، خریداری نموده و آن را تبدیل به محصول کرده است، محصولش در انبار راکد می‌ماند.

نکته دیگر در این زمینه این است که، بانک مرکزی در تعیین نرخ تورم، بسیاری از عناصر مثل هزینه مسکن یا بهای مسکن و زمین را که باید مدنظر قرار دهد، در نظر نمی‌گیرد. به همین دلیل، تورم واقعی به دست نمی‌آید. به هر تقدیر، تورم و بحران ناشی از آن، همواره وجود داشته و باید با استفاده از یک رشته تدابیر اقتصادی و سیاست‌های پولی نوین و کارآمد، از پیشرفت آن جلوگیری به عمل آورد.

بحران آب، گاز، برق و امثالهم

عامل بحران زای دیگری که اقتصاد کشور را تهدید می‌کند، بحران ساختاری آب و خشکسالی سال جاری است. موضوع بحران آب که ناشی از کاهش بارندگی‌های بهاره می‌باشد، مشکل مهمی است که نه تنها به کشاورزی کشور لطمه وارد می‌کند، بلکه در موارد بسیار، به سایر رشته‌های اقتصادی نیز صدمه می‌زند. متأسفانه، برای رفع این بحران، اقدامی ملموس که بتواند مشکل را به یکباره از میان بردارد،

شرایط اقتصادی کشور در ماه‌های آغازین سال جدید، موجب خوش‌بینی نسبت به آینده نمی‌گردد و علیرغم سخنان مسؤولان و مدیران محترم کشور در زمینه لزوم اتخاذ تدابیری در جهت آرامش جو اقتصادی و بهبود شرایط اقتصادی - اجتماعی، به منظور ایجاد اطمینان در گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه، متأسفانه هنوز چشمه‌ای از امید و امیدواری ره نگشوده است.

عواملی که ایجاد چنین جوی را تشدید می‌کنند، بحران‌هایی هستند که در زمینه‌هایی چند در اقتصاد کشور ملاحظه می‌شوند.

یکی از عوامل بحران‌زا، در درجه نخست، تورم است. تورم در کشور ما موضوع جدیدی نیست و ما همواره با اقتصاد تورمی روبه‌رو بوده‌ایم. ولی مسأله مهم این است

که در کشور ما، تورم همراه با رکود وجود دارد. بدیهی است، هر یک از این دو، معلول یک رشته عوامل است و چگونگی برخورد با این عوامل متفاوت می‌باشد.

آمار و ارقام در کشور نشان می‌دهند که تورم، عمدتاً ناشی از وجود نقدینگی بی‌حساب در بازار پول می‌باشد. ولی این سؤال مطرح است که افزایش نقدینگی در

کشور ما ناشی از چیست؟ گروهی از اقتصاددانان، آن را ناشی از برداشت‌های بی‌رویه بانک‌ها از بانک مرکزی جمهوری اسلامی می‌دانند. به همین لحاظ، بانک مرکزی،

مقررات و سیاست‌های انقباضی در پیش گرفته و برداشت بانک‌ها را محدود کرده که به گفته مطبوعات، بانک مرکزی شش تا نه قفله شده است. برخی دیگر، افزایش

نقدینگی را ناشی از تسهیلات اعطایی بانک‌ها به کارآفرینان و جوانانی که در اندیشه خوداشتغالی و ایجاد کسب‌وکار هستند، می‌دانند و معتقدند که این تسهیلات، به

جای آن که صرف تولید شوند، به سوی خرید و فروش مسکن رفته و تورم شدید مربوط به بهای مسکن را نیز ناشی از آن می‌دانند. کسری بودجه، پولی نمودن آن و

بدهی گزاف دولت به بانک‌ها نیز از سایر عوامل مؤثر بر تورم می‌باشند.

ضمناً در کنار این عوامل نرخ تورم که در سال ۸۵ بالغ بر ۱۵ درصد بوده و در سال ۸۶ به رقم ۱۸ درصد رسیده، ناشی از افزایش قیمت نفت به ۱۲۰ دلار در هر بشکه است که بخشی از آن (۳۵ درصد) در بودجه مصرف می‌شود و بقیه، از طریق صندوق ذخیره ارزی، به انحاء مختلف وارد اقتصاد و بازار پول و کالا می‌گردد. به موجب آمار

سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی رخ نمود و به تدریج، بالغ بر ۳/۹ درصد در اوایل دهه ۱۳۶۰ شد که ثمره آن پس از ۲۰ سال، صف طولانی جوانان جویای کار است. لازم است، باز هم چند سال بگذرد تا همگان متوجه این واقعیت بشوند که افزایش زاد و ولد و افزایش بی‌رویه نرخ رشد جمعیت، چه آثار مخرب و زیان بخشی بر جامعه به جای می‌گذارد. رکود حاکم بر صنعت و فعالیت‌های صنعتی که ناشی از ورود محصولات کشورهای خارجی به ایران است که عامل دیگر افزایش نرخ بیکاری می‌باشد. موانع و مشکلات موجود در سر راه سرمایه‌گذاری و تولید نیز از عوامل افزایش بیکاری می‌باشند. وجود یکسری قوانین و مقررات از یکسو و اندیشه‌ها و تفکرات از سوی دیگر، موانعی در راه سرمایه‌گذاری صاحبان سرمایه در کشور ایجاد کرده است. قانون کار، قانون تأمین اجتماعی، قانون مالیات‌ها و قانون تعزیرات حکومتی، از جمله این قوانین هستند. سیاست‌های ناپایدار کلان نیز مزید بر علت شده و بر تورم، بیکاری و رکود می‌افزاید.

سرانجام، عامل تفکر و اندیشه برخی قشرها که به سرمایه‌گذار با دیده‌ای غیرفرهنگی و غیر اقتصادی می‌نگرند، از جمله موانع دیگر بر سر راه سرمایه‌گذاری است. اینجا است که برای رفع مشکل باید فرهنگ سازی شود و تفکرات نادرست و خام در مورد سرمایه‌گذاران زوده شود تا امکانات سرمایه‌گذاری در کشور فراهم گردد. بنابراین عوامل اقتصادی بحران‌زا در کشور ما وجود داشته و بیم افزایش آن نیز می‌رود و در این رهگذر، بخش خصوصی بیش از هر قشر دیگری آسیب می‌بیند و برای رهایی این بخش از قید و بندهایی که بدان اشاره شد، باید اقدامات جدی صورت گیرد.

در نگاهی راهبردی، برای اجرای موفق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش خصوصی باید آزادی فعالیت داشته، امکانات لازم را دارا باشد و از استحکام کافی برخوردار شود تا قادر باشد مسؤلیت‌های جدید را بپذیرد. برای تحقق بخشیدن به این اهداف، باید عوامل بحران‌زا برطرف گردد و زمینه برای فعالیت‌های بخش‌های مختلف اقتصادی، به ویژه بخش خصوصی فراهم آید. ■

امکان‌پذیر نیست. از جمله بحران‌های مشابه بحران آب در کشور که زمینه‌هایی از حضور خود را نشان می‌دهد، بحران ناشی از گاز و بحران برق است. کشور ما، دومین کشور دارای منابع سرشار گاز است. منابع زیرزمینی گاز استخراج شده کشور ایران، از بسیاری کشورهای بیشتر است، ولی عوامل چندی سبب گردیده است که در نیمه راه، گاز کشور، تکافوی نیازهای داخلی را نماید که می‌توان گفت، گسترش فعالیت‌های گازرسانی به نقاط دور افتاده کشور و انعقاد قراردادهای صدور گاز به دیگر کشورها، عامل این امر است. البته، باید گفت اقدامات مذکور، لازم و ضروری بوده است. بدون تردید، به سبب ارزان بودن قیمت گاز نسبت به مازوت، گازوئیل و نفت، صنایع که عمدتاً جزء بخش خصوصی هستند، ترجیح می‌دهند از گاز استفاده کنند. در چنین شرایطی، تقاضای مصارف خانگی نیز بر آن افزوده می‌شود و نیاز به این منبع انرژی را افزایش می‌بخشد.

بحران برق، خود آثاری همانند بحران گاز در بخش‌های مختلف اقتصادی به جای می‌گذارد. به ویژه آن که گسترش استفاده از برق، با وجود برخی نیروگاه‌های احداث برق و حتی نیروگاه هسته‌ای بوشهر که انشاء الله به زودی راه‌اندازی خواهد شد، کافی به مقصود نبوده و همان‌طور که قبلاً در مورد کمبود گاز گفته شد، بخش خصوصی در این رهگذر بیشتر صدمه خواهد دید، زیرا واحدهای خرد و کلان اقتصادی که در نقاط مختلف کشور پراکنده‌اند اکثراً متعلق به بخش خصوصی می‌باشند.

از بیکاری تا فرهنگ و سیاست

سرانجام، بحران چشمگیر دیگر موجود در کشور که علیرغم وعده و وعیدها و اقدامات انجام یافته از سوی مقامات، همچنان وجود دارد، بحران بیکاری است که نرخ آن همواره دو رقمی می‌باشد. گفتنی است، در سال ۸۵ نرخ بیکاری جوانان ۲۰/۶ درصد بوده که در سال ۸۶ به رقم ۲۱/۰ درصد افزایش یافته است. سرعت و شدت بیکاری در کشور، بدو ناشی از دو عامل افزایش زاد و ولد و بالا بودن نرخ افزایش جمعیت از یکسو و رکود اقتصادی، از سوی دیگر می‌باشد. نرخ رشد جمعیت از

عزل و نصب‌های رییس‌جمهور

اراده رییس‌جمهور و کابینه برکناران



این حق رییس‌دولت است که وزرا را برکنار و جایگزین کند. ولی شفاف شدن دلایل برکناری در راستای شناخت جهت‌گیری‌های کشورمان و توجه به شایسته‌سالاری در جایگزینی‌ها، جای کار دارد.

سومین سال ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در حالی به پایان خود نزدیک می‌شود که در این مدت، کابینه دولت، تغییر و تحولات زیادی به خود دیده است. در این میان، کنار رفتن هفت وزیر، دو رییس و یک دبیر، از مهمترین تغییراتی است که در دولت نهم صورت گرفته است. وزرای تعاون، رفاه، صنایع، نفت، آموزش و پرورش، وزیر کشور و اقتصاد، به همراه رؤسای سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی و دبیر شورای عالی امنیت ملی، از جمله افرادی بودند که هر یک مجبور به ترک کابینه شدند. جالب آن که، چهار وزیر از هفت وزیر کنار گذاشته شده، یعنی وزرای تعاون، آموزش و پرورش، رفاه و نفت، هیچ‌یک، گزینه اول رییس‌جمهور برای احراز پست وزارت نبودند. لذا، از یک نگاه، آشکار است که رییس‌جمهور از معیارهای خاص خود عدول نکرده است - و این از جهاتی تحسین برانگیز می‌باشد. در آخرین روز بهمن ماه سال گذشته، علیرضا علی‌احمدی، که قبلاً نتوانسته بود برای تصدی وزارت تعاون از مجلس رأی اعتماد بگیرد، با رأی اعتماد همان پارلمان، جانشین وزیر برکنار شده آموزش و پرورش شد تا مجلس بار دیگر، سایه اراده رییس‌جمهور را بر سر خود احساس کند. صرف‌نظر از وزرای تعاون و رفاه که به علت ضعف عملکرد، از دولت کنار گذاشته شدند، در مورد تغییرات صورت گرفته، تنها به یک دلیل عمده می‌توان اشاره کرد: اختلاف نظر با رییس‌جمهور. این مسأله در مورد کنار رفتن فرهاد رهبر به علت مخالفت با انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ابراهیم شیبانی به علت ناهماهنگی بانک

کشتی کابینه

به هر ترتیب، با بررسی روند عزل و نصب‌های رییس‌جمهور و علل آن می‌توان گفت، آنچه بیش از همه برای رییس‌جمهور مهم است، در اختیار داشتن کابینه‌ای